

ارزش‌های گران‌قیمت
علیرضا دبیر

عبدالجواد موسوی

شاعر و روزنامه‌نگار

بدبخت روزنامه‌نگاری که درست مثل زامبی‌های فضای مجازی به‌دنبال دوقطبی‌بازی‌های مضحکی مثل رسول خادم و علیرضا دبیر است. یاد زنده‌یاد هادی اسلامی در فیلم «اسر» می‌افتمی که به‌سبب دوستی می‌گفت: «تو روزنامه‌نگاری؟ تو تومن‌نگاری. تو دوزاری‌نگاری». فقط تومن‌نگارها و دوزاری‌نگارها می‌توانند موفقیت علیرضا دبیر و پژمان درستکار را نادیده بگیرند یا کم‌اهمیت بشمارند. آن‌هم فقط به این دلیل که این‌دو تظاهرات مذهبی دارند. درست مثل آن‌هایی که می‌خواهند سر به تن رسول خادم نباشد. آن‌هم فقط به این دلیل که رسول خادم مثل آن‌ها فکر نمی‌کند و هم‌سو با عقاید سیاسی آن‌ها نیست. گاهی با خود فکر می‌کنم آدمیزاد چگونه می‌تواند اینقدر خالی از انصاف و مروت باشد که بدیهیات و حقایق روشن‌رأیه این‌راحتی انکار کند و بعد سخن حضرت مولانا را به‌خاطر می‌آورد که فرمود: چون غرض آمد، هنر پوشیده شد. درود بر جان تابناک دکتر رضا داوری اردکانی که در جایی، ایدئولوژی را عین «غرض» خواند. ایدئولوژی برخلاف تصور زامبی‌ها فقط صورت دینی به خود نمی‌گیرد. هر جا که پای اغراض در میان آید، ایدئولوژی سر و کله‌اش پیدا می‌شود و هر جا که پای ایدئولوژی در میان باشد، از انصاف و مروت و حقیقت کمتر نشانی می‌توان یافت. در نگاه عمده و اگره ایدئولوژی همه‌چیز یا سیاه است یا سفید. آدم‌ها یا خائن‌اند یا قهرمان. علیرضا دبیر چون در فلان جلسه تظاهر به نماز خوانی کرده است، پس باید از هستی ساقط شود و هیچ‌کس حق ندارد برای او هنری قائل شود. مطمئن باشید اگر پژمان درستکار به‌جای خواندن نادعلی... در کنار تشک دوتا از شعارهای موردپسند این جماعت را سرمی‌داد، امروز پهلوان پژمان لقب می‌گرفت. اصلاً هم مهم نبود چه‌تیپ‌هایی را با خودش از این مسابقات به‌ارمغان می‌آورد. مهم آن شعارهای موردپسند بود. در آن صورت حتی اگر همه شاگردان پژمان از دور مسابقات حذف می‌شدند این جماعت در ستایش‌اش شعرها و شعارها سُر می‌دادند و تقصیر شکست‌ها را هم می‌انداختند گردن فدراسیون و حکومت. علیرضا دبیر کاری کرده است کارستان. بهره‌برداری سیاسی از کار او همان قدر زشت است که به‌دلیل سیاسی بخواهم کارش را نادیده بگیرم یا به او بتازیم. او پرچم ایران را بالا برده است. آن‌هم در روزگاری که خیلی‌ها آرزوی زمین‌خوردن ایران را در سر می‌پروراند. شاید من هم تظاهرات را و اوا به‌ظاهر شعر می‌چندان نیسندم اما به‌قول همین جماعت ورزشی: این ظاهرسازی‌ها چیزی از ارزش‌های ورزشی او کم نمی‌کند. اگر او در کنار این تظاهر نتایج خوبی در کشتی به‌دست نمی‌آورد، ایراد گرفتن به او ناموجه نبود. در آن صورت اگر می‌گفتم: دبیر صلاحیت تکیه‌زدن بر کرسی ریاست فدراسیون کشتی را ندارد و صرفاً به‌دلیل نمایش چهره‌ای مذهبی از خود توانسته است به این جایگاه برسد، حرف‌مان چندان بی‌ربط هم نبود. اما دبیر کاری کرد که از عهده هرکسی بر نمی‌آید. به شهادت همه همکارانش، او توانسته بهترین امکانات را برای کشتی‌گیران فراهم آورد. او توانسته تیم را از حاشیه‌های رایج و فرسایشی دور نگاه دارد. او توانسته توجه بسیاری از مدیران و مسئولان را به کشتی جلب کند و از این طریق تسهیلات فراوانی برای کشتی به‌دست بیاورد. او توانسته مشکلات خانوادگی بسیاری از کشتی‌گیرانش را حل کند تا آن‌ها با خاطری آسوده بتوانند در مسابقات قهرمانی شرکت کنند. این همه را نادیده گرفتن آن‌هم به این بهانه که دبیر پیراهنش را روی شلوار می‌اندازد یا چرا اینقدر تسبیح‌اش بلند است یا اینکه چرا ریش‌اش را اصلاح نمی‌کند، بسیار احمقانه است. کسانی که چنین حرف‌های ابلهانه‌ای را بر زبان می‌آورند، همان‌هایی‌اند که معترض‌اند چرا فلان مدیر لایق را فقط به این دلیل که ظواهر شرعی را رعایت نمی‌کرد از کار برکنار کرده‌اند. اگر آن کار غلط است - که قطعاً غلط است - اینکه بگوییم فلانی را فقط به این دلیل که به‌ظاهر شرعی بسیار اهمیت می‌دهد کنار بگذاریم غلط است. نمی‌دانم چرا دارم درباره یک‌چیز بسیار بدیهی و منطقی اینقدر توضیح می‌دهم. شاید به‌دلیل این که روزگام را روزگار فراموشی همین بدیهیات است. روزگاری است که صدای افراطی‌ها و تقریبطی‌ها بیش از هر وقت دیگری بلند است. روزگاری است که عقل، غریب افتاده است و بی‌عقل‌ها دار مدار امور عالم شده‌اند. بگذریم. بحث بر سر علیرضا دبیر بود و کار بزرگی که به سرانجام رسانده است. کاری که هیچ‌جوری و با هیچ منطقی نمی‌توان آن را نادیده گرفت. او پرچم ایران را با قدرت و مقتدرانه به‌هتزاز درآورده است. در میدانی که هیچ‌کس، نه به لباس پوشیدن او امتیاز می‌دهد، نه به نماز اول وقت خواندنش. البته که من دوست داشتم علیرضا دبیر در روزگاری که رنگ و ریا در چشم بعضی‌ها قدر و قیمت دارد، به این توصیه خواجه شیراز توجه بیشتری نشان دهد: مکن به فسق مباحثات و زهد هم مغروش! اما با همه این احوال دوست دارم به او بگویم: دمت گرم پهلوان!

عکس: سایت قدرت اسپورن کشتی

۱۶
۲۴ ساعت

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

• صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کریا سچی
• مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیراداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لینتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



دوباره قهرمان

ایران برای اولین بار هم‌زمان قهرمان کشتی فرنگی و آزاد شد

▼ میرزازاده رکورد زد

یکی از اتفاقات مثبت موفقیت‌های کشتی فرنگی، طلایی شدن امین میرزازاده، سنگین‌وزن ایران، بود که در روز نخست یکی از سه فینالیست کشتی ایران لقب گرفته بود. میرزازاده در دیدار پایانی و با نتیجه ۷-۲ داریوش ویتک مجارستانی را شکست داد و یکبار دیگر تاج قهرمانی فوق‌سنگین را بر سرش گذاشت. میرزازاده که از زمان حضورش به‌عنوان نماینده ۱۳۰ کیلو ایران همواره در رقابت‌های جهانی و المپیک مدال گرفته است، یکبار دیگر با پیروزی قاطع مقابل حریف خود، در فینال روی سکوی نخست مسابقات قرار گرفت. او در این مسابقه، دو امتیاز خود را از بیرون کردن حریف از تشک گرفت. یکبار هم در حین فن‌زدن ویتک کشتی را رو کرد تا یک امتیاز دیگر به حساب‌اش واریز شود. چهار امتیاز دیگر او نیز ناشی از یک خاک ناشی از کمرگیری زیبا و بارانداز قدرتمندانه‌اش بود که در نهایت کشتی را با نتیجه ۷-۲ به‌سود او به پایان رساند. امین میرزازاده، دومین کشتی‌گیر طلایی ایران در رقابت‌های جهانی کشتی فرنگی در زاگرب بود. البته دیگر کشتی‌گیران ایران که روی تشک می‌روند، این شانس را دارند که گنجینه مدال‌های ایران را به حدیضایی تازه برسانند. با قهرمانی میرزازاده در رقابت‌های ۱۳۰ کیلو، ایران برای دومین بار در تاریخ توانست در هر دو رشته فوق‌سنگین آزاد و فرنگی، به مقام قهرمانی برسد. امین میرزازاده در ۱۳۰ کیلو فرنگی و امیرحسین زارع در ۱۲۵ کیلوگرم آزاد. دو کشتی‌گیری که فیزیک بدنی عجیب و غریب و هیکل غول‌آسایی ندارند، اما آنقدر قرص و محکم کشتی می‌گیرند که فعلاً در دنیای کشتی، حریفی برایشان وجود ندارد.

▼ جانشین سوریان

پایین آوردن میانگین سنی تیم کشتی فرنگی، از اتفاقات ویژه‌ای است که حسن رنگرز و فدراسیون کشتی تأکید ویژه‌ای روی این موضوع داشتند. پیام احمدی ۱۸ ساله که طبعاً بزرگسالان کشتی دنیا شناخت خاصی از او نداشتند، با عملکردی کم‌نظیر توانست خودش را به فینال وزن خود برساند. هر چند پایان آن برای احمدی، خوش نبود اما نوید ظهور ستاره‌ای دیگر در سبک‌وزن رابرای فدراسیون کشتی داد. پیام احمدی، ستاره ۱۸ ساله کشتی ایران که در نخستین تجربه جهانی خود در رده بزرگسالان با شکست دادن ستاره‌های این وزن خیرساز شده بود، دوشب پیش در فینال مقابل واختانگ لولوا از گرجستان قرار گرفت که دقیقاً مثل خودش از مسابقات جوانان جهان پای به این رویداد گذاشته بود. آخرین بار کشتی فرنگی ایران در سبک‌وزن توسط حمید سوریان و در مسابقات جهانی ۲۰۱۴ ازبکستان، صاحب مدال طلا شده بود و این طلسم کماکان برای سبک‌وزن ایران باقی ماند. احمدی چندی پیش نیز در مسابقات جهانی جوانان به مدال طلای رسیده بود.

▼ در انتظار ۲ طلای دیگر

شب گذشته اما برای ایران، درخشان ادامه یافت و از سه وزن باقیمانده در دو وزن، کشتی‌گیران ایرانی به فینال مسابقات جهانی راه یافتند. علیرضا مهمدی، کشتی‌گیر وزن ۸۷ کیلوگرم در مرحله نیمه‌نهایی با پیروزی مقابل لوسونزی مجارستانی که قهرمان جهان در سال ۲۰۲۳ بود، به فینال راه یافت. نکته عجیب اینکه، همان‌دروز گذشته داوری بازم علیه ایران بود اما درخواست ویدئوچک از سوی حسن رنگرز باعث شد تا ایران حداقل در این وزن از داوری آسیب نبیند. در وزن ۶۷ کیلوگرم نیز با پیروزی ۱۰ بر صفر مقابل آگایف از روسیه راهی فینال شد. محمد مهدی کشتکار در وزن ۶۳ کیلوگرم اما مقابل حریف کره‌ای خود با حساب پنج بر سه شکست خورد و راهی دیدار رده‌بندی شد. آخرین مدال شب گذشته را هادی ساروی کسب کرد که با پیروزی مقابل کشتی‌گیر روس با حساب سه بر یک سومین مدال طلای کشتی فرنگی را نیز به ارمغان آورد. آنچه مشخص است؛ کشتی فرنگی و آزاد، نسلی را برای آینده ساخته که حداقل در یک‌دهه آینده می‌توان به مدال‌آوری‌ها امیدوار بود.

سپهر خرمی

گزارشگر ورزشی هم‌میهن

تا پیش از قهرمانی کشتی آزاد کمتر کسی تصور می‌کرد این تیم بتواند در حضور قدرتهایی چون آمریکا، ژاپن و روسیه روی سکوی قهرمانی قرار بگیرد اما این اتفاق در نهایت رخ داد. از طرف دیگر توقع از تیم حسن رنگرز در قیاس با کشتی آزاد با توجه به نتایج کسب‌شده در المپیک، بیشتر بود اما شاگردان رنگرز نه تنها توقعات را برآورده کردند، بلکه با تارومار کردن رقبای خود روی تشک، قهرمانی زودهنگام را به مردم هدیه دادند. در همان روز اول با توجه به فینالیست‌شدن در سه وزن و بعد از امتیازات کسب‌شده، کشتی فرنگی هم به مقام قهرمانی رسید تا برای اولین بار در تاریخ کشتی، آزاد و فرنگی هم‌زمان به مقام قهرمانی جهان برسند. آزادکاران با نمایشی قابل قبول و دو طلا، دو نقره و سه برنز، یک‌روز قبل از پایان مسابقات قهرمانی‌شان را قطعی کردند. رنگی کاران دو شب گذشته با دو طلای؛ غلامرضا فرخی در ۸۲ کیلوگرم و امین میرزازاده در ۱۳۰ کیلوگرم و نقره پیام احمدی در ۵۵ کیلو و البته مقام پنجمی علیرضا عبدولی، ۸۰ امتیاز کسب کردند و یک فاصله عجیب را با سایر تیم‌ها رقم زدند. ازسوی دیگر هادی ساروی هم دیشب طلایی شد تا حداقل ۲۰ امتیاز دیگر به حساب تیم ملی ایران واریز کند. البته که دانیال سهرابی با صعود به رده‌بندی و کسب مدال برنز، ۱۰ امتیاز دیگر را به برای تیم ایران قطعی کرد. بدین ترتیب ایران با داشتن ۱۱۰ امتیاز قطعی و نتایج سه وزن آخر، خیلی زود قهرمانی خود در مسابقات جهانی را مسجل کرده تا همان اتفاق تاریخی که کشتی ایران انتظارش را داشت، بالاخره رخ دهد. در این گزارش قصد داریم عملکرد درخشان کشتی فرنگی را در گفت‌وگو با حمید باوفا، پیشکسوت و سرمربی تیم ملی جوانان ایران در رشته فرنگی، مورد نقد و بررسی قرار دهیم.

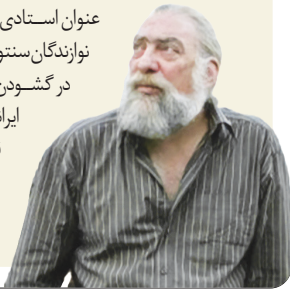
▼ میانگین سنی پایین برگ برنده رنگرز

بدون شک با حضور سعید اسماعیلی و علیرضا مهدی در سه وزن آخر که قهرمانی و نایب‌قهرمانی المپیک را یکدک می‌کشند، قهرمانی فرنگی کاران ایرانی مقتدرانه‌تر هم خواهد شد. نکته قابل توجه در قهرمانی تیم ملی کشتی فرنگی، میانگین سنی پایین این تیم است. تیم حسن رنگرز با ۲۲/۴ سال میانگین سنی، جوان‌ترین تیم مسابقات بود و با قهرمانی نشان داد تا چندسال آینده، کشتی فرنگی دنیا تحت‌تاثیر درخشش این نسل جوان ایران است و سخت می‌توان قهرمانی را از دست رنگرز و شاگردانش گرفت. حمید باوفا، سرمربی جوانان ایران در گفت‌وگو با «هم‌میهن» معتقد است، این نسلی که توسط حسن رنگرز به مسابقات جهانی اعزام و نتایج درخشان نیز کسب کردند، می‌تواند نسل طلایی کشتی ایران لقب بگیرد: «باید تشکر ویژه‌ای از علیرضا دبیر کنیم که با رسیدگی در تمام رده‌ها، همراهی ویژه‌ای بابت ساختن این نسل برای آینده داشته است. حسن رنگرز، کاری کرد کارستان و بی‌شک اگر مدیریت، علم و دانش ایشان نبود این تیم با اتحادی مثال‌زدنی در کنار هم شکل نمی‌گرفت. بارها در سال‌های گذشته پیش آمده بود که کشتی‌گیرها به‌تنهایی ورزشکاران قدری بودند اما در قالب تیمی، عملکرد آنطور که باید خوب پیش نمی‌رفت. یک‌دلی‌ای که بین بچه‌ها ایجاد شد با یک مدیریت صحیح در رأس آن شکل گرفت. پایین آوردن میانگین سنی تیم از نکات مهمی است که می‌توانیم در المپیک ۲۰۲۸ ثمره‌اش را ببینیم. شک نکنید این نسل اگر با همین روند پیش برود، یکی از ترسناک‌ترین تیم‌های تاریخ کشتی دنیا خواهد شد.»

چهره

استاد مسلم سنتور

تأیستان ۱۳۸۸ تا بناستان بدی بود. تلخ و سخت، جنگالی و خونین نیز گذشت. پایانش نیز غمبار از آب درآمد. این غم آخر البته پوشیده ماند زیر یماهوی آن انتخابات جنگالی. پرویز مشکاتیان آن استاد مسلم سنتور، ۳۰ شهر یورماه همان تأیستان، درگذشت. خبری که نخست، باورکردنی نمی‌نمود، اما واقعیت داشت. هنگام مرگ ۵۴ سال بیشتر نداشت هر چند صورت و کسوت افسانه‌ای او، دیرپاتر از این نشان‌اش می‌داد. شاید همه اینها به‌خاطر همه آن حرص و جوشی بود که در وجودش و به‌قول محمدرضا شجریان، در صدای قلب‌اش برای وطن و آزادی در جریان بود. شجریان پس از مرگ داماد سابق و رفیق قدیمی‌اش بر همین نظرش افزوده بود: «کمتر هنرمندی را توان آن است که رنج‌ها و آرزوهای مردم‌اش را در هنر خویش بازتاباند و ترجمه صادق و راستین زمانه خود باشد.» مشکاتیان علاوه بر اینها البته در هنر نیز مهارتی تام داشت و شایسته عنوان استادی بود. یکی از بزرگ‌ترین آهنگسازان و نوازندگان سنتور ایرانی در دوران معاصر به‌شمار می‌آمد، در کشودن راه شعر نیمایی به موسیقی اصیل ایرانی و پرورش نوازندگان جدید، نقش قابل توجهی داشت و به‌راستی مرگش نه‌فقط اتفاقی غم‌انگیز که فقدانی ابدی برای موسیقی ایرانی است.



کتابخانه

راز تولد زندگی

کتاب «در پی پیدایش» نوشته مایکل مارشال، اثری جذاب در حوزه علم عام‌فهم و تاریخ علم است که نشر نوپتارگی آن را با ترجمه کاوه فیض‌اللهی روانه بازار کرده است. خواندن این اثر شما را با زبانی ساده، زنده و گاهی طنزآمیز با نظریه‌ها، شخصیت‌های مهم علمی و پشت‌صحنه‌های تحقیقات آشنا می‌کند. مارشال، یک روزنامه‌نگار علمی با سابقه است و در کتاب «در پی پیدایش» یک‌قرن تلاش علمی برای پاسخ به پرسش بنیادین «حیات چگونه آغاز شد؟» را روایت کرده است. روشی که او انتخاب کرده، ترکیبی است از توجه به داده‌های علمی و همین‌طور زندگی، دغدغه‌ها و رقابت‌های دانشمندی چون اوپارین و میلر.



کتاب: در پی پیدایش
نویسنده:
مایکل مارشال
مترجم:
کاوه فیض‌اللهی
انتشارات: نشر نو

نویسنده در کتاب خود نظریه‌های مختلف دوران کلاسیک را تعریف و بررسی می‌کند و هم‌زمان به ابعاد فلسفی و اخلاقی آن نیز پرداخته است. رویکرد مارشال در کتاب در پی پیدایش، نگر-یستن به موضوعات در مقام یک ناظر خارجی و بدون جانبداری از فرضیه خاصی است. خواندن این اثر تلفیقی از علم و داستان، هم برای متخصصان و هم علاقه‌مندان عام به علم، مفید خواهد بود. نشر نو «در پی پیدایش» را در ۴۵۶ صفحه و به قیمت ۶۸۰ هزار تومان چاپ کرده است.

تاریخ

پیمان آخال



پیمان آخال؛ معاهده‌ای میان امپراتوری روسیه و ایران قاجار بود که در ۲۱ سپتامبر ۱۸۸۱ میلادی برابر با ۳۰ شهریورماه ۱۲۶۰ خورشیدی برای تعیین مرزهای دو کشور در سمت شرق دریای خزر بسته

شد. این پیمان از نظر مساحت، رکورددار قراردادهای جدایی از ایران است. به موجب این پیمان آسیای میانه، خوارزم، خیهو، شرق مازندران و مرو، سمرقند و بخارا در زمان ناصرالدین‌شاه رسماً از ایران جدا و جزئی از کشور روسیه تزاری شد. این زمین‌ها شامل سرزمین ترکمنستان و بخش‌های بزرگی از تاجیکستان، ازبکستان، قرقیزستان و قزاقستان امروزی است و در مجموع بیش از یک میلیون و ۲۲۶ هزار کیلومتر مربع مساحت دارد. پیمان آخال نتیجه رویارویی مستقیم نظامی میان ایران و روسیه نبود و ایران تحت فشار نظامی روس‌ها قرار نگرفته بود. علت اصلی انعقاد این قرارداد، ضعف ساختار دفاعی و مدیریتی حکومت قاجار بود. روس‌ها با بهره‌گیری از ضعف ایران و شکست‌های نظامی آن، به‌تدریج نفوذ خود را در مناطق شمال شرقی کشور گسترش دادند. این پیمان با امضای مؤتمن الملک و وزیر امور خارجه ایران و ایوان زینوویف، فرستاده روسیه، به تصویب رسید.